

اندیشه ها سیاسی و منش اخلاقی مصدق

هوشنگ کردستانی

مصدق دارای دو ویژگی بود، سیاسی و اخلاقی.

برقراری حکومت مردم بر مردم از راه برگزاری انتخابات آزاد، تحقق ناوابستگی با ملی کردن صنعت نفت و قطع نفوذ انگلستان.

در نشستی که در مهر ماه ۱۳۲۸ در منزل دکتر مصدق تشکیل شد که بیست تن از کسانی که در تجمع جلو کاخ مرمر توسط مردم برگزیده شده بودند در آن حضور داشتند، تصمیم به تشکیل جبهه ملی گرفته و اعلام شد تنها نمایندگان احزاب، سازمان های سیاسی و اتحادیه های صنفی می توانند به عضویت شورای جبهه ملی پذیرفته شوند. چون بر این باور بودند که دموکراسی (مردم سالاری) تنها با وجود احزاب، سازمان سیاسی و اتحادیه های صنفی برقرار و ماندگار می ماند. می دانیم که حزب نیروی سوم که پس از جدا شدن خلیل ملکی از حزب زحمتکشان ملت ایران تاسیس شد و پر طرفدار ترین حزب نهضت ملی بود پس از تشکیل جبهه ملی اتفاق افتاد..

چرا تشکیل جبهه و نه یک حزب ؟

چون در یک جامعه به دلیل گرایش های سیاسی، اعتقاد های مذهبی و وابستگی گروهی همه مردم در یک حزب یا سازمان سیاسی گرد نمی آیند.

تجربه تک حزبی بودن کشورهای کمونیستی نشان داد همه مردم یک کشور را نمی توان در یک حزب متشکل کرد. در کشورهای پیشرفته دموکراسی مانند آمریکا و انگلیس هم دو حزب و گاه سه حزب وجود دارد. برای ملی کردن صنعت نفت و پیکار با انگلستان استعمارگر نیاز به حضور بیشترین مردم با هر گرایش سیاسی یا مذهبی بود. مصدق خود حزبی تاسیس نکرد و وارد هیچ یک از احزاب موجود نشد. چون به جایگاه ملی و فرا حزبی خود آگاه بود.

دکتر مصدق طی نامه ای به رییس شهربانی های کل کشور یادآور شد هر نشریه که بمن حمله یا توهین کند قابل تعقیب نیست. البته هر شخصی حق دارد در صورتی که به او توهین شود به دادگستری شکایت برد.

پرویز خطیبی در خاطراتش نوشته است که دکتر مصدق پس از رسیدن به نخست وزیری طی نامه ای به من نوشت (قربانت گردم، شما نسبت به دولت ها انتقادهای سازنده می کردید، نکند بخاطر محبتی که به من دارید از انتقاد به دولت من خودداری کنید. چون دولت ها با باتوجه و سودبری از انتقادها می توانند از کاستی ها پنهان بکاهند).

توجه کنیم نخست وزیر مملکت به کارمند اداره رادیو تهران آن روز، نامه می نویسد. آقای دکتر اصغر پارسا که از دید من سیاسی ترین فرد از یاران دکتر مصدق بود، خاطره ای برای من تعریف کرد که جا دارد در این جا آورده شود، ایشان گفت هنگامی که من سخنگوی فراکسیون نهضت ملی در مجلس هفدهم بودم، به دلیل وظیفه ای که داشتم ماهی یک بار به دیدن دکتر مصدق می رفتم. در یکی از این دیدارها مشاهده کردم که دکتر مصدق برخلاف گذشته خوشحال و خوشرو نیستند. فکر کردم نکند اشتباهی از من سرزده باشد.

پرسیدم جناب دکتر گویا امروز زیاد سر حال نیستید، جواب دادند بله همینطور هست. تردید نکردم که ناراحتی ایشان از من می باشد. به خود جرات دادم و پرسیدم ممکن است علت آن را بفرمایید؟ دکتر مصدق آخرین شماره روزنامه مردم، ارگان حزب توده را به من نشان دادند و گفتند چی بدتر از این که در این شماره به من و دولت من انتقادی نشده است.

یکی از عیب های دیکتاتوری و حکومت فردی از جمله این است که بدلیل سانسور مطبوعات ، خود دیکتاتور هم از واقعیت های جامعه با خبر نمی شود و ناگزیر خبرها را از اطرافیان متملق می شنود که به او دروغ گفته و حقایق را نمیگویند.

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت توسط مجلس شورای ملی و سنا در ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ در بیست و نهم خرداد ماه سال ۱۳۳۰ نیز، با بسته شدن شیر نفت توسط حسین مکی، از شرکت نفت ایران وانگلیس هم خلع ید شد. امروز پس از گذشت هفتاد سال مردم تصمیم گرفته اند در ۲۸ خرداد ماه سال جاری، با تحریم انتخابات و ماندن در خانه ها و خالی گذاردن خیابان ها از حکومت مطلقه خلع ید نمایند.

اقتصاد بدون نفت از شاهکارهای دکتر مصدق بود.

مصدق در آن دوران متوجه زیان های وابستگی کشور به صادرات تنها یک فراورده شد بود. آنچه که امروزه به کشورهای تک محصولی معروف شده است و شاهد بوده و هستیم که دولت های سرمایه داری هنگامی که بخواهند خواست های استعماری خود را بر کشورهای تک محصولی اعمال نمایند با

تحریم و یا پایین آوردن بها آن فراورده کشور تولید کننده را از پای در می آورند. مصدق متوجه این خطر شده بود، از این رو تز اقتصاد بدون نفت را مطرح کرد.

او معتقد بود که از درآمد نفت نه باید برای کسری بودجه کشور استفاده شود، باید با متعادل کردن واردات و صادرات و اداره کشور بدون استفاده از درآمد نفت خودکفا شد و از درآمدهای نفت تنها برای زیرساخت های اقتصادی، ایجاد کارگاهها و کارخانه ها و صنایع مادر و سازنده افزار، گسترش شبکه های راه و راه آهن، یعنی شریان های ارتباطی کشور، و بالا بردن سطح زندگی مردم به ویژه کارگران زحمت کش که در گذشته مورد ظلم ستم واقع شده بودند و وضعیت اسفناکی را میگذرانند، استفاده کرد.

این تصور برخی از هموطنان، که برنامه مصدق و جبهه ملی بیشتر تحقق آزادی و حفظ ناوابستگی بود تا اقتصادی. با واقعیت همخوانی ندارد. مصدق پیشرفت های اقتصادی را در سایه گسترش آزادی سیاسی و اقتصادی و ناوابستگی به واردات می دانست.

مصدق متوجه تاثیر نیروی انسانی کارآمد و تحصیل کرده در پیشرفت مملکت و جبران عقب افتادگی از دنیای پیشرفته بود. اصلی که در دنیای امروز ثابت شده که کنون و آینده کشورها را نیروی های انسانی کارآموده می سازند و نه تنها معادن و ثروت های طبیعی. ژاپن و فنلاند دو نمونه از این نوع کشورها هستند.

متأسفانه به دلیل جلوگیری از فروش نفت ایران توسط نیروی دریایی انگلستان، درآمد های ارزی کشور کاهش یافت. دو کشور ایتالیا و ژاپن هم که اقدام به خرید نفت ایران نمودند نفتکش های آنها در بندر عدن توسط دولت انگلیس

توقیف شدند. مصدق پس از خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس، شیلات شمال را هم که در اختیار دولت روسیه شوروی آن زمان بود ملی و برای کمبود درآمد های ارزی طلا های اندوخته شده نزد آن دولت را مطالبه کرد. روزنامه های دولتی روسیه مانند پراودا نوشتند که دولت شوروی طلا های ایران را باید تنها به دولتی که نماینده مردم باشد تحویل دهد. ایران حدود دوازده تن طلای بابت دوران جنگ دوم از روسیه شوروی طلبکار بود، با وجود آنکه وصول آن برای دولت مصدق مورد نیاز و حیاطی بود به ویژه آنکه بانک بین المللی و دولت آمریکا از دادن وام به ایران خودداری می کردند. با این وجود روس ها نه تنها طلاها را به دولت ملی پس ندادند بلکه وارونه آن در اختیار دولت کودتا گذاشتند .

برای باز پس گرفتن طلاهای ایران از روسیه شوروی، دولت کودتا از دو شیوه تهدید و تطمیع استفاده کرد.

۱ - تهدید به اعدام افسران سازمان افسری حزب توده.

۲ - تطمیع، در بخشیدن روستای پرارزش فیروزه در شمال خراسان که پس از فروپاشی اتحاد شوروی اکنون جز کشور ازبکستان شده است.

عدم امکان فروش نفت، عدم موافقت بانک جهانی با پرداخت وام و مخالفت دولت آمریکا به اعطای کمک مالی و خودداری دولت روسیه شوروی از تحویل دادن طلاهای ایران سرانجام دولت ملی مصدق را ناگزیر به چاپ اوراق قرضه کرد که البته با استقبال مردم میهن دوست ایران روبرو شد.

با وجود پیروزی های درخشان ایران در دادگاه بین المللی لاهه و سازمان ملل متحد در اثرهای کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که طراح آن دولت استعمارگر

انگلیس و اجرا کننده آن دولت امپریالیستی آمریکا بود، دولت ملی مصدق ساقط شد و تنها امید به تداوم فرمانروایی قانون و رسیدن به پیشرفت های آرام ولی مداوم و پایدار بر باد رفت.

در پایان باید اشاره کرد که محبوبیت مصدق افزون بر آنکه نماد ملی گرایی و میهن دوستی و آزادی خواهی بود، از جمله دانش سیاسی ، گذشته مبارزاتی و صداقت و راستگویی او بود.

پاریس ۲۹ ، اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ برابر با نوزدهم مه مه ۲۰۲۱ .